

# ساختار اقتصادی صادرات ایران\*

نادر مهرگان

نفت حاصل گردیده است. در سالهای بعد از انقلاب اسلامی، هرچند تلاش زیادی در جهت رهایی کشور از اقتصاد تک محصولی نفت شده است ولی به دلیل برخی موانع سیاسی ایجاد شده از طرف بیگانگان به ثمر نرسیده است و در نتیجه اقتصاد کشور کماکان وابسته به درآمد ارزی حاصل از نفت بوده به طوری که سهم درآمدهای ارزی حاصل از صدور نفت به کل صادرات در برخی از سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی به بیش از ۹۷ درصد نیز رسیده است. (در نمودار ۱۰ انعکاس یافته است). صادرات نفتی ایران را می توان عمدتاً متأثر از عواملی نظیر: رونق و رکود اقتصادی کشورهای صنعتی، مقدار سقف تولید تعیین

از مشخصه های بارز بازرگانی خارجی ایران، اتکاء به صادرات تک محصولی (نفت) می باشد که به مرور زمان سهم آن با نوساناتی در حال فزونی بوده است. علت وجود چنین روندی با بررسی وضع صادرات نفتی و غیرنفتی و مقایسه آن قابل شناسایی خواهد بود.

## صادرات نفتی

با اکتشاف نفت در ایران به مرور زمان این ماده جایگاه خاصی را در تأمین نیازهای ارزی کشور پیدا کرد، به طوری که در دو دهه اخیر به طور متوسط بیش از ۹۵ درصد از درآمدهای ارزی کشور از فروش

\* - لازم به تذکر است که این مقاله قسمت اول مقاله ای است که تحت عنوان "تبیین ساختار اقتصادی صادرات غیرنفتی" نوشته شده و در شماره های آینده چاپ خواهد شد. لذا بسیاری از مطالب و سئوالات صادرات غیرنفتی که در این مقاله بی جواب مانده در آن مقالات به طور مفصل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

اسلامی صورت گرفت، صادرات ایران کاهش یافت. در سال ۱۳۵۸ هرچند قیمت

**ارزش صادرات نفت ایران عمدتاً متأثر از عواملی نظیر: رونق و رکود اقتصادی کشورهای صنعتی، مقدار سقف تولید تعیین شده اوپک برای صدور، قیمت جهانی نفت و برخی مسائل سیاسی می باشد.**

نفت به شدت افزایش یافت ولی میزان صادرات کاهش پیدا کرد، ولی ارزش صادرات نسبت به سال قبل از رشد برخوردار بود. در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با مطرح شدن این اندیشه که منابع طبیعی، مربوط به تمام نسلهاست و لذا نباید از آن بیش از حد نیاز استفاده کرد، میزان صادرات نفت کاهش یافت. این تفکر و اندیشه تا چندین سال در صدور نفت موثر بوده است. در سال ۱۳۵۹ سه عامل: جنگ تحمیلی، تحریم اقتصادی دول غرب و رکود اقتصادی کشورهای صنعتی ارزش صادرات نفت را به شدت کاهش داد. در سال ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱ با توجه به تداوم رکود در کشورهای صنعتی و افزایش

شده اوپک، قیمت نفت و برخی مسائل سیاسی نظیر: تحریم اقتصادی، جنگ تحمیلی و ... دانست به طوری که در سالهای قبل از ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۳ ارزش صادرات نفت ایران به دلیل ترقی میزان (مقدار) صادرات و افزایش قیمت آن در حال افزایش بوده که در سال ۱۳۵۳ به اوج خود رسیده است.<sup>۱</sup> پس از آن به دلیل ایجاد نوسانات اقتصادی در کشورهای مصرف کننده نفت، ارزش صادرات ایران نیز تغییر کرد. در سال ۱۳۵۴ به دلیل ایجاد رکود در کشورهای صنعتی، تقاضای نفت کاهش یافت و در نتیجه درآمدی ارزی حاصل از نفت نسبت به سال قبل تنزل کرد. در سال ۱۳۵۵ با پایان یافتن دوران رکود و افزایش تقاضای کشورهای غربی، ارزش صادرات نفتی ایران افزایش یافت و سپس در سال ۱۳۵۶ کاهش تقاضای جهان، کاهش صادرات ایران را به دنبال داشت. بدین ترتیب مشاهده می شود که در دوران قبل از انقلاب اسلامی، مهمترین عامل موثر در صدور نفت، وضعیت اقتصادی کشورهای صنعتی بوده است.

در سال ۱۳۵۷ به دلیل اعتصاب کارگران صنعت نفت که همزمان با پیروزی انقلاب

۱- ابراهیم علی رازینی، "اندازه گیری و تحلیل ثبات در صادرات کشور" ماهنامه بررسیهای بازرگانی، شماره ۸۲ (اسفند ۱۳۷۲)، ص ۱۱

عرضه جهانی، درآمد ارزی حاصل از صدور نفت ایران به دلیل افزایش میزان صادرات، درآمد ارزی حاصل از صدور آن بازهم افزایش یافت. در سال ۱۳۶۳ به دلیل بوجود آمدن مازاد عرضه جهانی نفت، میزان تولید اوپک و ایران کاهش یافت و این کاهش با افزایش قیمت نفت همراه بود، ولی در نهایت درآمد ارزی کشور کاهش داشت از سال ۱۳۶۳ به بعد با بوجود آمدن مازاد عرضه و امکان ذخیره‌سازی کشورهای مصرف‌کننده، کنترل بازار نفت تا حدودی در اختیار مصرف‌کنندگان قرار گرفت و هر ساله درآمد ارزی حاصل از صدور نفت کشور با نوساناتی رو به تنزل نهاد.<sup>۱</sup>

**فشار تقاضای ناشی از افزایش هزینه‌های دولتی و تزریق درآمد نفتی به جامعه، مهاجرت روستائیان به شهر نه تنها منجر به افزایش واردات می‌شود، بلکه از صدور کالاهای غیرنفتی نیز می‌کاهد.**

در کشور ما با توجه به اینکه نفت مهمترین کالای صادراتی و منبع ارزی

است، تأثیر زیادی بر تمام متغیرهای اقتصادی کشور می‌گذارد که از جمله آن متغیر صادرات غیرنفتی کالاها و خدمات می‌باشد.

افزایش درآمدهای ارزی حاصل از صدور نفت در کشور، به گونه‌های مختلف تأثیر متفاوت بر روی صادرات غیرنفتی می‌گذارد، از یک سو، افزایش درآمد ارزی موجب افزایش مخارج دولت و در نتیجه موجب بالا رفتن سطح مصرف و افزایش تقاضای کل جامعه می‌شود که در چنین شرایطی فشار تقاضای داخلی موجب کاهش صادرات کالاها می‌شود که بدین جهت می‌توان گفت، بین صادرات نفتی و غیرنفتی همبستگی منفی وجود دارد. از سوی دیگر افزایش صادرات نفتی و ایجاد امکانات ارزی برای کشور، زمینه را برای وارد کردن کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای مورد نیاز صنایع مهیا می‌سازد و در نتیجه امکان پاسخگویی به ترقی تقاضای کل داخلی و صدور کالا را فراهم می‌نماید. صدور کالاهای صنعتی در سالهای ۱۳۵۴ - ۵۶ را می‌توان به عنوان نمونه ذکر کرد:

۱- هوشنگ امیراحمدی، "اقتصاد سیاسی نفت" اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۷۷ و ۷۸ (بهار و اسفند ۱۳۷۲)، ۶۷ - ۶۹.

## صادرات غیرنفتی

واردات و کاهش رشد صادرات کالاهای غیرنفتی، دلیل مهاجرت روستائیان به شهر و بالا رفتن تقاضای کل جامعه<sup>۲</sup> بدین ترتیب نسبت صادرات کالاهای غیرنفتی به کل صادرات، به شدت کاهش یافت، به طوری که بخش کشاورزی که در گذشته تامین کننده نیازهای ارزی کشور بود، جای خود را به بخش نفت داد.

با افزایش قیمت نفت، پس از نیمسال دوم ۱۳۵۲ توانایی مالی وسیعی برای دولت فراهم شد و مخارج دولتی به مرور افزایش یافت به طوری که افزایش مخارج دولتی، خصوصاً تقاضای ناشی از تزریق درآمدهای ارزی توسط دولت، متناسب با روند تولید داخلی نبود لذا بالا رفتن تقاضای کل داخلی، منجر به کاهش صادرات و جذب آن در داخل و افزایش واردات شد. در کنار فشار تقاضای مذکور، سطح عموم قیمتها نیز به شدت در حال افزایش بود و دولت به منظور جلوگیری از افزایش سریع قیمتها در کوتاه مدت اقدام به وارد نمودن کالا آن هم، عمدتاً مصرفی نمود. بدین ترتیب در این برهه از زمان، صادرات غیرنفتی کشور، به دلیل افزایش

پس از اصلاحات ارضی و تقسیم اراضی بین دهقانان و بوجود آمدن شیوه‌های جدید بهره‌برداری در کشاورزی ایران، سرمایه‌های بخش کشاورزی به روشهای گوناگون، از روستا خارج شد و در مناطق شهری، جذب خرید سهام کارخانجات مونتاژ و ایجاد تقاضا برای کالاهای وارداتی گردید. این تحول، موجب تضعیف، یکی از مهمترین فعالیتهای اقتصادی کشور که سهم عمده‌ای از کالاهای صادراتی غیرنفتی کشور را تولید کرد، گردید. با این تحول، علاوه بر خروج سرمایه به مناطق شهری، اغلب روستائیان، خصوصاً نیروی کار جوان، نیز به شهرها مهاجرت نمودند و در فعالیتهای خدماتی و یا صنایع مونتاژ مشغول به کار شدند<sup>۱</sup> بدین ترتیب مهمترین عوامل تولید بخش کشاورزی (یعنی نیروی کار و سرمایه) از روستا به شهر انتقال یافت که این انتقال دو اثر را به جای گذاشت: یکی، کاهش رشد تولید بخش کشاورزی و به تبع آن کاهش رشد صادرات غیرنفتی که عمدتاً از بخش کشاورزی بود و دیگری افزایش

۱- نادر مهرگان، "ارز تحولات مربوط به زمین بر سرمایه گذاری در کشاورزی"، جهاد، شماره ۵۳ (خرداد ۱۳۷۱) ص ۲۷

۲- ابراهیم علی رازی، پیشین

قدرت خرید داخلی و افزایش تقاضای مصرف‌کنندگان داخلی برای کالاهای صادراتی، کاهش یافت. آمار و ارقامی که در جدول (۱) و نمودار (۱) انعکاس یافته، این مسئله را به خوبی نشان می‌دهد که نسبت صادرات کالاهای غیرنفتی به کل صادرات از ۱۵ درصد در سال ۱۳۵۰ به مقدار ۲ درصد در سال ۱۳۵۵ تنزل یافته است که می‌توان کاهش نسبت مذکور را به طور خلاصه ناشی از عوامل زیر دانست:

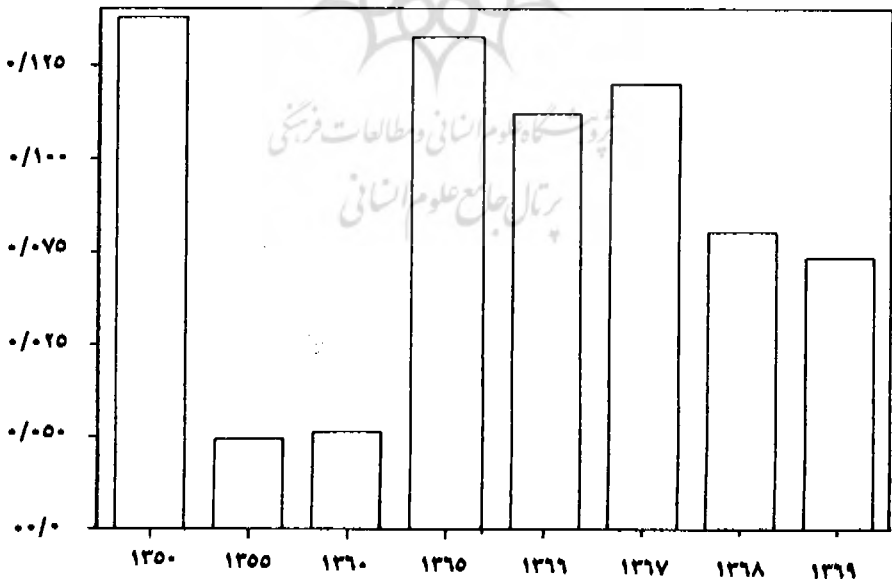
۱ - مهاجرت روستائیان به شهر و افزایش تقاضای کل.

۲ - خروج و انتقال و عوامل تولید از فعالیتهای تولیدی کالاهای صادراتی به فعالیتهای تولیدی نیازمند واردات و غیرمولد.

۳ - افزایش هزینه‌های دولتی و تزریق درآمدهای ارزی به جامعه و بالا رفتن سطح تقاضای کل جامعه که قطعاً علاوه بر افزایش واردات، به کاهش صادرات کالاهای غیرنفتی نیز منجر شده است.

۴ - رکود اقتصادی ... در کشورهای صنعتی غرب در بیشتر این سالها و افزایش تقاضای داخلی به طور همزمان.

نمودار (۱): نمودار نسبت کالاهای غیرنفتی صادراتی به کل صادرات در برخی از سالهای منتخب



مأخذ: این نمودار با استفاده از ارقام جدول (۱) رسم شده است.

## «صادرات غیرنفتی در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی»

در سال ۱۳۵۷ که مصادف با اعتصاب کارگران فعالیتهای اقتصادی کشور است، صادرات نفتی و غیرنفتی به شدت با کاهش همراه گردیده است.

در سال ۱۳۵۸ بازرگانی خارجی را دولت عهده‌دار شد و یک تغییر ساختاری در بخش بازرگانی خارجی ایجاد گردید. در این سال صادرات کالاهای غیرنفتی رو به افزایش گذارد.

در سال ۱۳۵۹ به دلیل شروع جنگ تحمیلی، افزایش تقاضای داخلی، تحریم اقتصادی ایران توسط کشورهای غربی، رکود اقتصادی در کشورهای صنعتی و

همچنین رکود اقتصاد داخلی، صادرات غیرنفتی کشور کاهش یافت.

در سالهای ۱۳۵۷ - ۵۹ با توجه به ملی بودن بازرگانی خارجی افرادی به منظور خروج سرمایه و دارائی خود و با توجه به اختلاف نرخ رسمی و نرخ آزاد ارز، اقدام به خروج غیرقانونی کالا از کشور نمودند و ارزهای حاصل از این اقدامات به کشور بازگردانده نمی‌شد. در این زمینه هرچند دولت سیاستهایی نظیر اتخاذ نظام چندنرخ و خرید ارز حاصل از صادرات به نرخ ترجیحی را درپیش گرفت، ولی روند خروج دارائی از طریق صدور کالاهای غیرنفتی (خصوصاً فرش) کماکان ادامه داشت.



## جدول (۱): وضعیت صادرات کشور در برخی از سالهای منتخب (میلیارد ریال)

سال	کل صادرات	صادرات غیرنفتی	صادرات کالاهای مصرفی	صادرات واسطه ای	صادرات کالاهای سرمایه ای	نسبت صادرات کالاهای غیرنفتی به کل
۱۳۵۰	۱۹۰۱۹۹	۲۹۴۱۰	۱۲۳۲۰	۱۳۶۰۲	۳۴۸۸	۰/۱۵
۱۳۵۵	۱۵۵۵۳۱۴	۳۸۰۰۱	۱۴۶۰۴	۱۹۶۸۵	۳۷۱۲	۰/۰۲۴۴۳۳
۱۳۶۰	۱۰۱۸۹۶۱	۲۷۰۲۹	۱۸۱۲۲	۸۸۴۴	۶۶	۰/۰۲۶۵۳۴
۱۳۶۵	۵۲۸۲۹۵	۷۰۱۱۷	۵۱۵۷۴	۱۸۴۰۶	۱۳۷	۰/۱۳۲۷۲۳
۱۳۶۶	۷۲۳۱۸۴	۸۱۱۰۷	۵۸۱۷۸	۲۲۷۱۶	۲۱۳	۰/۱۱۲۱۵۳
۱۳۶۷	۵۹۵۸۲۸	۷۱۴۷۴	۴۴۲۱۴	۲۶۸۴۱	۴۱۹	۰/۱۱۹۹۵۷
۱۳۶۸	۹۳۳۳۷۷	۷۴۷۳۶	۵۲۴۵۲	۲۲۰۱۸	۲۶۶	۰/۰۸۰۰۷۱
۱۳۶۹	۱۱۹۰۹۶۲	۸۷۲۴۵	۶۶۴۹۳	۲۰۳۹۱	۳۶۱	۰/۰۷۳۲۵۶

مأخذ: مرکز آمار ایران سالنامه آماری ۱۳۷۰ (تهران: مرکز آمار ایران ۱۳۷۱)

خواهد داشت که نسبت به بازگشت ارز حاصل از صدور کالا نگران نباشیم. در مورد کاهش صادرات کالاهای غیرنفتی، از طرف بانک مرکزی دلایلی ارائه می شود که از جمله آن می توان به نارسائیهای شبکه حمل و نقل کشور و عدم امکان استفاده از تأسیسات برخی از بنادر صادراتی اشاره کرد.<sup>۱</sup> بانگاهی به امکانات ارتباطی توسعه یافته از گذشته، مشاهده

بدین ترتیب در سیاستهای بازرگانی خارجی باید به این نکته اساسی توجه داشت که در کنار سیاستهای تشویقی برای صادرات، می باید در فکر ایجاد به منظور بازگرداندن درآمد ارزی حاصل از صدور کالا نیز باشیم که در غیر این صورت افزایش صادرات به منزله افزایش خروج دارایی و سرمایه از کشور خواهد بود. در این زمینه، دولتی بودن بازرگانی خارجی، این مزیت را

۱- گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی (۱۳۵۹)

می شود که شبکه حمل و نقل کشور، خصوصاً راه آهن که به عنوان ارزانترین وسیله حمل کالا مطرح است، به جای اینکه بتواند به کالاهای صادراتی، خدمات ارزان و مناسب ارائه دهد و یا در این جهت گسترش یابد اما در جهت واردات کالا بوده است به طوری که کالاهای وارداتی در مراکز ورودی کشور (نظیر مرز ایران و ترکیه و حاشیه خلیج فارس) به راحتی به وسیله راه آهن به بزرگترین مراکز مصرفی (نظیر: تهران، مشهد، تبریز، اصفهان و غیره) منتقل می شوند، در حالی که مراکز تولیدی کشوره تنها از چنین امکانات ارزان قیمتی در جهت صدور کالا برخوردار نیستند، بلکه حتی این وسیله در جهت رساندن کالا به مراکز مصرفی داخلی نیز کمک شایانی نمی نماید، برای نمونه استان کرمان که سهم عمده ای در صدور کالاهای غیرنفتی دارد، فاقد راه آهن به عنوان ارزانترین وسیله حمل و نقل می باشد. نقشه خطوط راه آهن که به پیوست آمده، این واقعیت را به خوبی نشان می دهد که در گذشته خطوط راه آهن، عمدتاً در خدمت واردات بوده و مراکز

ورودی را به مراکز مصرفی متصل می نموده است و برطبق برنامه های عمرانی آینده نیز دو خطه کردن و برقی نمودن این خطوط نیز مدنظر بوده که در این صورت کالاهای وارداتی علاوه بر ارزان بودن با سرعت بیشتری به مراکز مصرفی منتقل می شدند. لازم به ذکر است که صنایع تولیدی که هم اکنون در کنار خط آهن هستند، معمولاً بعد از ایجاد خطوط راه آهن دایر شده اند تا بتوانند از مزایای راه آهن استفاده کنند.

یکی از عوامل موثر در کاهش صادرات کالاهای غیرنفتی، خروج و انتقال عوامل تولید (نیروی کار و سرمایه) از فعالیتهای تولیدی کالاهای صادراتی (عمدتاً کشاورزی) به فعالیتهای غیرمولد و عدم سرمایه گذاری دولت در این زمینه می باشد.

در سال ۱۳۶۰ نیز صادرات کالاهای غیرنفتی، سیر نزولی داشته است. بالا رفتن قیمت‌های داخلی ناشی از فشار تقاضا و

۱- علیرضا شکیبایی، «آثر سیاست‌های جدید ارزی، بازرگانی (۱۳۶۸ - ۷۰) بر صادرات غیرنفتی و توسعه منطقه ای «مورد کرمان»، ماهنامه

بررسیهای بازرگانی، شماره ۷۹ (آذر ۱۳۷۲) ص ۱۸ - ۲۷



همچنین کاهش درآمدهای ارزی، باعث شد که اولاً، تولید کالاهای صادراتی کاهش یابد و ثانیاً، فشار تقاضای داخلی مانع از صدور آنها شود. در سال ۱۳۶۰ صادرات کالاهای صنعتی که شامل انواع: شیرینی جات و بیسکویت، مواد شیمیایی، مصالح ساختمانی بود، به شدت کاهش داشت. از ویژگی کالاهای صادراتی مذکور، وابستگی به واردات است که در این صورت افزایش صادرات، همراه با افزایش واردات خواهد بود، به طوری که صادرات بیسکویت که مواد اولیه اصلی آن شکر و آرد می باشد، از خارج وارد شدند. علاوه بر کالاهای صنعتی برخی کالاهای کشاورزی و سنتی (نظیر فرش) از چنین وابستگی برخوردار هستند. بدین ترتیب اگر با افزایش صادرات به دنبال مثبت نمودن تراز پرداختها هستیم باید ساختار صادراتی کشور را در جهت صدور کالاهایی که به نحوی، ناگسسته بامسائل اقتصادی و اجتماعی مربوط هستند تغییر دهیم که در

**شبکه حمل و نقل، خصوصاً راه آهن، به عنوان ارزاترین وسیله حمل و نقل، به جای اینکه در خدمت صادرات کالاهای غیرنفتی باشد در خدمت واردات بوده است.**

این صورت میزان صادرات کشور تابعی از واردات نخواهد بود، بلکه متأثر از توان و امکانات تولید داخلی خواهد شد.

با توجه به اینکه نرخ ارز، در بازار آزاد، با نرخ ترجیحی، اختلاف زیادی داشت، لذا صادرکنندگان، حاضر به فروش ارز به نظام بانکی نبودند. بنابراین در سال ۱۳۶۱ دولت سیاست واردات در مقابل صادرات و نرخ ارز صادراتی را مطرح کرد که این نرخ تفاوت زیادی با نرخ رسمی و نرخ ترجیحی داشت، در نتیجه صادرکنندگان کالا در صورتی که تمایل به ورود کالا داشتند، با ارز حاصل از صدور آن اقدام به وارد نمودن کالا می کردند و در غیر این صورت آنها ارز حاصل را به واردکنندگان کالا و یا به نظام بانکی، با نرخ صادراتی می فروختند. این سیاست هم به دلیل اینکه اولاً، واردکنندگان کالا تنها مجاز به وارد کردن برخی از کالاها بودند و ثانیاً، با توجه به اینکه قیمت این کالاها نیز معمولاً تحت کنترل دولت قرار داشت، لذا به مرور، با افزایش تورم داخلی و کاهش ارزش پول ملی، این شیوه نیز سودآوری خود را از دست داد و صادرکنندگان بازهم ترجیح دادند که ارز حاصل از صادرات را در بازار آزاد بفروشند و یا در حسابهای خود در خارج از کشور نگهدارند.

به منظور مثبت نمودن تراز پرداختها باید ساختار اقتصادی صادرات غیرنفتی کشور را حتی المقدور از صدور کالاهایی کسه تولید آنها وابسته به واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای است، در جهت صدور کالاهایی که به نحوی ناگسسته با مسائل اقتصادی و اجتماعی جامعه مربوط هستند، تغییر داد که در این صورت صادرات غیرنفتی کشور به جای اینکه تابعی از واردات باشد، تابعی از توان و امکانات تولیدی داخل کشور خواهد بود.

بالفعل داخلی و تولید ناخالص بالقوه داخلی بود.<sup>۱</sup> در صورتی که تولید ناخالص داخلی واقعی بیش از تولید ناخالص بالفعل باشد، در آن صورت رونق اقتصادی حاصل می‌شود که رونق اقتصادی علاوه بر تأمین تقاضای داخلی، امکان صدور کالا را نیز فراهم می‌سازد.

در سال ۱۳۶۲ اقتصاد کشور به بالاترین درجه رشد خود طی سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی رسید، به طوری که تولید ناخالص داخلی بالفعل بیش از بالقوه بود.<sup>۲</sup> در سال ۱۳۶۳ رشد ناچیز اقتصادی، صادرات غیرنفتی کشور را نسبت به سال قبل در حد محدودی افزایش داد. در این سال از طرف دولت، تسهیلات جدیدی در زمینه صادرات به عمل آمد که از آن جمله می‌توان به تسهیلات مربوط به واردات در مقابل صادرات اشاره کرد. توجه به این نکته حائز اهمیت است که به دلیل فشارهای تقاضای داخلی، کالاهای غیرنفتی صادراتی، تنها بدین منظور صادر می‌شدند که با فراهم شدن امکانات ارزی، قادر به وادار کردن کالا باشند و یا به عبارت

در سال ۱۳۶۲ با توجه به سیاستهایی که دولت در زمینه افزایش صادرات غیرنفتی اتخاذ کرد (تسهیلات مربوط به افزایش مهلت واریز پیمان ارزی حاصل از صادرات) و با توجه به اینکه اقتصاد کشور از رکود نسبی که در سالهای گذشته وجود داشت خارج شد، لذا میزان صادرات کالاهای غیرنفتی، افزایش چشمگیری پیدا نمود. یکی از عوامل مؤثر در صادرات غیرنفتی ایران، شکاف بین تولید ناخالص

۱- رویینیا بانوسی، برآورد تابع سرمایه‌گذاری در زیربخشهای اقتصادی کشور، (تهران: پایان نامه فوق‌لیسانس اقتصاد دانشگاه شهید

بهشتی، ۱۳۷۰) ص ۹۰

۲- احمد اخوی، اقتصاد کلان کاربردی (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۷۱)، ص ۲۰۵

دیگر مهمترین انگیزه در صادر کردن کالا در سالهای مذکور، وارد نمودن کالاهای مورد نیاز مصرف کنندگان داخلی بود، کماینکه اگر واردات کالاهای مذکور از جای دیگر امکان پذیر بود، می توان گفت که صادرات کالاهای غیرنفتی به شدت کاهش می یافت. لازم به ذکر است، کالایی که معمولاً از این طریق امکان ورود می یافتند، اغلب شامل کالاهای مصرفی بودند، زیرا اغلب صنایع و کارخانجات، دولتی بودند و این نهادهای اقتصادی، به منظور وارد کردن کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای از امکانات ارزی دولت استفاده می کردند و در مقابل، واردات کالاهای مصرفی کمتر مورد توجه بود که در نتیجه ارز حاصل از صادرات کالاهای غیرنفتی عمدتاً صرف وارد نمودن کالاهای مصرفی می شد. بدین ترتیب مشاهده می شود که با تمام تلاشی که در زمینه صدور کالاهای غیرنفتی از طرف دولت صورت می گرفت و حتی صدور قسمتی از کالاها با استفاده از تسهیلات ارزی امکان پذیر بود، ولی عاقبت پس از صدور کالا درآمد ارزی صرف وارد کردن کالاهای مصرفی می شد که توجه به این مسئله جای تأمل دارد.

با کاهش درآمدهای ارزی حاصل از صدور نفت، در سالهای بعد از سال ۱۳۶۴ و

با توجه به نیاز شدید ارزی کشور و وجود شرایط جنگی، توجه مسئولان به صدور کالاهای غیرنفتی شدیدتر شد و با توجه به افزایش نرخ ارز در بازار آزاد، صادرکنندگان تمایل بیشتری به صدور کالا پیدا کردند، به طوری که از سال ۱۳۶۴ به بعد شاهد رشد شدید صادرات غیرنفتی در اقتصاد ایران هستیم. البته نیاز شدید ارزی باعث شد که برخی از کالاهایی که به صورت وارداتی در داخل کشور نگهداری می شدند نیز از کشور خارج شوند. افزایش شدید صدور فرش در سالهای ۱۳۶۴، ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ مبین این واقعیت است. در این سالها فرشهای عتیقه نیز صادر می شد و به فروش می رفت تا در شرایط بد اقتصادی (سالهای ۱۳۶۴ - ۶۶) که اقتصاد کشور با رکود شدید اقتصادی مواجه بود و از طرفی درآمد ارزی حاصل از صدور نفت نیز به حداقل خود رسیده بود، به کمک دولت بشتابد. در سالهای مذکور، صدور پنبه که تا سالهای قبل صادر نمی شد از سر گرفته شد و سهم قابل ملاحظه‌ای از صادرات محصولات کشاورزی را به خود اختصاص داد.

در سال ۱۳۶۷ به دلیل عدم سرمایه گذاری در فعالیتهایی که کالاهای صادراتی تولید می کنند و کاهش ذخایر و دارائی کشور (شامل فرش و سایر کالاها)

## شکاف تولید ناخالص داخلی بالفعل و بالقوه تأثیر مستقیم بر روی صادرات غیرنفتی کشور به جای می‌گذارد.

کالا برای صادرکنندگان نیز افزایش یافت، به طوری که صادرات کالاهای غیرنفتی در سالهای ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ به شدت افزایش نشان می‌دهد. بدین ترتیب تعیین قیمت واقعی و مؤثر ارز که براساس عرضه و تقاضای بازار تعیین می‌شد نقش عمده‌ای در صادرات کالاهای غیرنفتی در سالهای اجرای برنامه اول داشته است.

### خلاصه و نتیجه گیری

در سالهای قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، صادرات کالاهای غیرنفتی با توجه به فشار تقاضای ایجاد شده از طریق تزریق درآمدهای نفت به اقتصاد کشور، کاهش یافت. در کنار کاهش صادرات کالاهای غیرنفتی، ساختار اقتصادی صادرات غیرنفتی کشور نیز تغییر شکل داد و صادرات محصولات کشاورزی جای خود را به محصولات صنعتی سپرد. در این برهه از زمان تولیدات کالاهای صنعتی تنها به کمک تکنولوژی وارداتی امکان‌پذیر بود، بدین جهت صادرات غیرنفتی کشور وابسته به واردات شد.

صادرات غیرنفتی کاهش یافت، سرمایه‌گذاری در کل کشور نیز از سالهای بعد از انقلاب تا سال ۱۳۶۷ روند نزولی داشته است)<sup>۱</sup> خصوصاً اینکه در سال ۱۳۶۷ به دلیل پایان یافتن جنگ، صادرکنندگان تصور می‌کردند که نرخ ارز کاهش می‌یابد، لذا یکی از مهمترین انگیزه‌های صادرکنندگان در چنین شرایطی مورد سؤال قرار می‌گیرد (قیمت دلار در سال ۱۳۶۷ با پایان یافتن جنگ به شدت کاهش یافت ولی دیری نپایید که کاهش نرخ ارز متوقف شد و مجدداً نرخ ارز با شدت بیشتری روند صعودی به خود گرفت که در چنین شرایطی صادرات کالاهای غیرنفتی نیز در سال ۱۳۶۷ روند صعودی به خود گرفت. در سالهای اجرای برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ سیاست تک‌نرخی کردن ارز و تبدیل بودجه ارزی به ریالی برای دستگاههای دولتی، تقاضای ارز از بازار آزاد به شدت بالا رفت و انگیزه‌های صدور

۱- نادر مهرگان، بررسی تغییر و تحولات تشکیل سرمایه در کشور، زمینه شماره ۲۳، (خرداد ۱۳۷۲) ص ۶۱

صنعتی را می توان ناشی از وابستگی تولید این کالاها به خارج و فشار تقاضای داخلی، به دلیل رشد سریع جمعیت، دانست.

**در سالهای ۱۳۶۱ - ۶۶ یکی از مهمترین انگیزه های صدور کالاهای غیرنفتی استفاده از تسهیلات مربوط به واردات در مقابل صادرات بوده است.**

در سالهای پس از پایان یافتن جنگ تحمیلی و با شروع برنامه پنجساله اول، صادرات کالاهای غیرنفتی، از رشد قابل ملاحظه ای برخوردار بودند که این عمده تاشی از افزایش سریع قیمت ارز بوده است. در شرایط کنونی، نرخ مؤثر ارز یکی از متغیرهای اساسی مؤثر در صادرات غیرنفتی کشور می باشد.

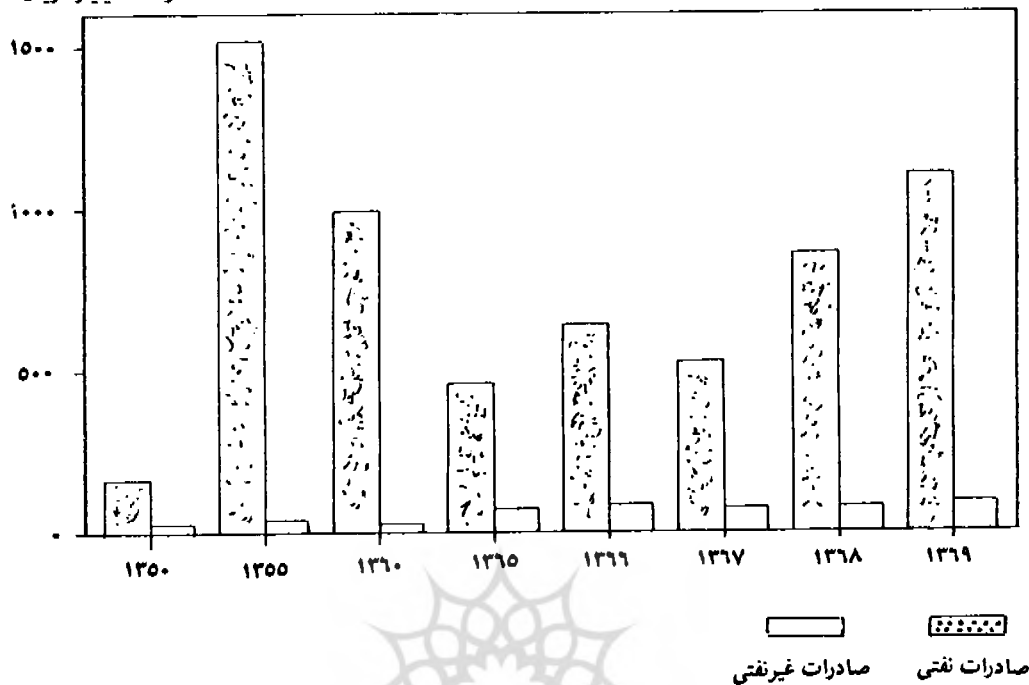
بدین ترتیب به منظور افزایش صادرات کالاهای غیرنفتی، علاوه بر سرمایه گذاری در تولید کالاهای صادراتی، خصوصاً کالاهایی که وابستگی کمتری داشته و ناگسسته با منابع داخلی باشد و ارائه امکانات زیربنایی و خدماتی مناسب به این فعالیتها باید در کنار سایر سیاستها ارز را همگام با افزایش تورم داخلی افزایش داد.

در سالهای قبل از انقلاب، از جمله عواملی که بر صادرات کالاهای غیرنفتی مؤثر بودند را می توان در وضعیت اقتصادی کشورهای صنعتی غرب و شدت فشار تقاضای داخلی دانست.

در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تا اجرای برنامه اول توسعه، صادرات غیرنفتی، رشد قابل ملاحظه ای نداشت و سیاستهای حمایتی دولت در زمینه افزایش صادرات، تأثیر قابل ملاحظه ای بر میزان صادرات نگذاشت. در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، علاوه بر سیاستهای حمایتی دولت، عوامل دیگری نیز صادرات کالاهای غیرنفتی مؤثر بودند که از جمله آن می توان به شکاف تولید ناخالص داخلی بالفعل و بالقوه اشاره کرد که در سالهای بعد از انقلاب اسلامی به دلیل ایجاد رکود اقتصاد در کشور، صادرات کالاهای غیرنفتی نیز با کاهش همراه بوده است. همچنین در دوران بعد از انقلاب اسلامی، ساختار صادرات کالاهای غیرنفتی کشور، برخلاف مسیری که قبل از انقلاب طی می شد، تغییر کرد به طوری که صادرات کالاهای کشاورزی نسبت به کالاهای صنعتی از رشد بیشتری برخوردار بود. علت اصلی کاهش صادرات کالاهای

## نمودار شماره (۲): روند صادرات نفتی و غیرنفتی به تفکیک، در برخی از سالها

واحد: میلیارد ریال



مأخذ: برگرفته از ارقام انعکاس یافته در جدول (۱)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## فهرست منابع و مأخذ:

- ۱ - اخوی، احمد. اقتصاد کلان کاربردی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی شهریور ۱۳۷۱
- ۲ - امامیان، فرشته. "صادرات غیرنفتی با شناخت تنگناها"، اطلاعات سیاسی اقتصادی (آبان ماه ۱۳۶۶)
- ۳ - امیراحمدی، هوشنگ. "اقتصاد سیاسی نفت"، اطلاعات سیاسی اقتصادی. شماره ۷۷ و ۷۸ (بهمن و اسفند ۱۳۷۲)
- ۴ - امینی؛ امان‌الله. "صادرات غیرنفتی ایران آزمون دشار" اطلاعات سیاسی اقتصادی (آذرماه ۱۳۶۵)
- ۵ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی، تهران: سالهای مختلف
- ۶ - بانوسی، روبینا. برآورد تابع سرمایه‌گذاری در زیربخشهای اقتصادی کشور. پایان نامه فوق‌لیسانس اقتصاد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی. ۱۳۷۰
- ۷ - حوزه معاونت بازرگانی سازمان صنایع ملی، «بررسی روند صادرات و واردات و پیچیدگیهای توسعه اجتماعی - اقتصادی ایران. اطلاعات سیاسی اقتصادی (آذرماه ۱۳۶۵).
- ۸ - رفعتی، محمدرضا و دیگران. ارزش چندنرخ تا تک نرخی. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی ۱۳۷۲
- ۹ - رازینی، ابراهیم علی. "اندازه‌گیری و تحلیل ثبات در صادرات کشور". ماهنامه بررسیهای بازرگانی، شماره ۸۲ (اسفند ۱۳۷۲).
- ۱۰ - کمیجانی، اکبر و ییدآباد بیژن. سیاستهای تشویقی صادرات غیرنفتی و تأثیر آن. «مجله اقتصادی» (اردیبهشت ۱۳۷۲)
- ۱۱ - مرکز آمار ایران. سالنامه آماری ۱۳۷۰. تهران: ۱۳۷۱
- ۱۲ - مهرگان، نادر. "اثر تحولات مربوط به زمین بر سرمایه‌گذاری در کشاورزی". جهاد، شماره ۵۳ (خرداد ۱۳۷۱).
- ۱۳ - مهرگان، نادر. "بررسی تغییر و تحولات تشکیل سرمایه در کشور". زمین. شماره ۲۳ (خرداد ۱۳۷۲).
- ۱۴ - مهرگان، نادر. "افزایش قیمت ارز و کاهش ارزش واقعی سرمایه تولیدکنندگان". ماهنامه بررسیهای بازرگانی. شماره ۸۷ (مرداد ۱۳۷۳)
- ۱۵ - نادری، ابوالقاسم و دیگران. بررسی مسائل و مشکلات صادرات غیرنفتی. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۶۹.
- ۱۶ - وهابی، بهرام. "روشهای بررسی جریانهای دوطرفه تجاری" ماهنامه بررسیهای بازرگانی، شماره ۷۸ (آبانماه ۱۳۷۲)
- ۱۷ - شکیبایی، علیرضا. "اثر سیاستهای جدید ارزی - بازرگانی (۱۳۶۸ - ۷۰) بر صادرات غیرنفتی و توسعه منطقه‌ای «مورد کرمان»". ماهنامه بررسیهای بازرگانی، شماره ۷۹ (آذر ۱۳۷۲).